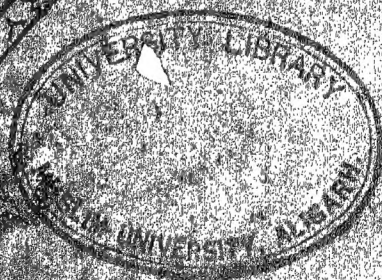
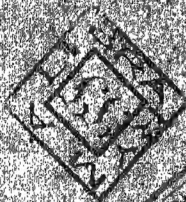




4464

# تعلیم اربعین





عزیز باشا صیدان افغانی  
بینان می ناطق می بهان

الحکم سرکار دولتہ از جناب نواب حسین محمد خان بہادر ریختن لایق

باجتہام نبدہ فقیر محمد حسین خان خاں خاں مولوی محمد حسن خان معوم بقلم فضل خان

درج فی حسن اربعین فی طبع و ت

۲۰۰۵۲

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE4464

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس و نعت عظمت اساس

پروردگار عالم همیشه تیر دست و صفت تمام برای تست که همه مخلوقات را تو میدا  
کرده و از سمک تا سماک ایجاد فرموده بر لوح و بر آن روح تازه می بخشی و از سفره  
عام برزق و افرازانی میفرمائی نعت شایسته عالم محمد صلی الله علیه و آله و سلم با  
که همه مخلوق و همه سولان صلوات الله علی نبینا و علیهم سردار است و بر  
ما باعث بخشش گناه و اوزار بعد میگوید را رقم اشم که چون چند سبق دین  
او راق بر تعلیم صبیان فائده اطفال فارسی خوانان جمع نموده لهذا تعلیم صبیان

نامش نهاد و فصول را چون قلیل المضامین بود به سبق اصطلاح داد امید  
 که صاحبان باین فن اگر خطا بینند به نظر مستثواب اصلا محسوس فرمایند  
 ای خداوند عالم عا<sup>۱</sup> این اثم را قبول فرما و خاتمه اش به خیر موصول  
 بطفیل آن حضرت صلی الله علیه و سلم و بتول رضی الله عنهما -

## سبق اول در بیان ایمان و عقائد اسلام

خداوند تعالی بگذاردست قدرتش بر همه غالب است چنانکه اگر خواهد  
 همه آسمان و زمین را بیک اشاره نیست و نابود فرماید و روز فردا چنین نماید  
 او رب العالمین همه مخلوقات را روزی مهیا فرماید و در سنگ کرک را برگ  
 سبزه زانی انگشاک مهربان است زیاده تر از او و شفق که خطای بنده بیند  
 و جرم مجرم شناسد اما ز نقش بر قرار دارد بخشش کند و ترست که بنده گناهکار  
 را بحکم غلبه رحمت و مغفرت خویش بر غضب انتقام خود بیاورد و بطفیل آن حضرت  
 صلعم حضور خود رساند همه نیک و بد او تعالی پیدا کرده است خوبی و شرستی به  
 حکم او وجود گرفته بر چه که بظهور آید از دست برگ که بر زمین افتد و در که بر آید

این کتاب را در روزی که  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست

این کتاب را در روزی که  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست

این کتاب را در روزی که  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست

این کتاب را در روزی که  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست  
 قاضی است و روزی آن  
 سعدی طالع و غیره  
 و یکین طالع و غیره  
 بسیار در روزی که  
 نیست





قوه با سپردن زمین را پاره پاره بشکنند بار اسرافیل در صور حکم خدا بدمد که دیگر باره  
 همه سلاطین و بیکایات زنده به خیز و باره جل جلاله بر تخت انصاف جلوه فرماید  
 فرشتگان درین روز صف بصف گرد و عرش تسبیح و تحمید آن حاضر آیند  
 و فرمان حق تعالی مخلوق را حشر کرده بحضورش آرند و گروه گروه را نشتر و جدا کنند  
 این روز حشر و نشر اقیامت و دوزخ و جزا نامند درین روز فرشته  
 و جن پس دیگر حیوانات و دوزخ و جنت به حضور خداوند حاضر آیند و تعالی بهم  
 نیکی و بدی را سنجیده عدل فرماید نیکان را جنت عطا فرماید بدان را بد دوزخ  
 فرستد جن از آتش آفریده آدم علیه السلام از خاک ساخته شده فرشته از  
 نور بظهور آید فرشتگان مطیعان فرمان الهی اند و بنندگان رضا جوین و ساجدگان  
 پروردگار ایشان خبر عبودیت بیچ نسبتی به چون ندانند همچنین هم انبیاء بندگان و  
 فرستادگان خدا اند این همه اصولی را بدل داشتن هم از زبان اقرار کردن با  
 ایمان گویند یعنی برین یقین اقرار کردن که خداوند تعالی و ان خالق را زنی قافح  
 و ضارست همه مخلوق و فرشتگان و پیغمبران بندگان او یگانه تعالی شانند



نه فرزندان و دختران و او تعالی مالک خیر و شرست چنانچه گویند و خوانند

أَمْسَتْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

وَشَرُّهُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَالْبَعَثُ بَعْدَ الْمَوْتِ

وَمِثْلُ ذَلِكَ أَمْسَتْ بِاللَّهِ كَمَا هُوَ بِسْمَاءِهِ وَصَفَاتِهِ وَقَبْلُ

مَجْمُوعِ أَحْكَامِهِ

## سبق دوم در بیان کفر و شرک

به امری از گفته ضروریات بالا ایمان نیاوردن کفرست یعنی بر او تعالی بایر صفات

او تعالی بایر احکام و بر پیغمبران او تعالی و صفته خاص او تعالی برابر دیگر نسبت

کردن شرک است بدانکه کفر و شرک نهایت بد است که گناه است برابر او نیست آنرا که

کفر کند و شرک آورد کافر و شرک گویند او هرگز نبخشیده نخواهد شد تا توبه نیارد اما دیگر

چیز که بکاران چند آنکه گناه کبیره و صغیره کرده باشند بوقتی امر زید خواهند شد و الشاهد

تو دانی که توبه چیست و بخشش و آمرزش چیست پس توبه از کار ناخوار خود بشمارده

از خدای تعالی عفو بجزخواستن و پیش او تعالی عهد بستن که گاهی مکرکب آن کار

این مالک است

نه

چنانچه در سوره لقمان

یابنی لا تشرك بالله

عظیم عظیم

و حق است بگویند

حضرت عثمان

توبه و بخشش

از شرک نمودن

عفو و عفو

توبه و بخشش

از شرک نمودن

این الله که عفو

این بخشش است

و عفو و عفو

نخواهد شد و بخشش آنکه بعد ثبوت گناه و نافرمانی از رنج و تکلیف روحانی و جسمانی  
 رهایی دهد خواه به هر خویش یا بشفا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم یا دیگر پیغمبران صلی الله علیهم  
 علی نبینا علیهم یا بادی و نیکوکاران رضوان الله تعالی علیهم چون خلاصه کیفیت ایمان و کفر  
 مطالبه کردی ارکان اسلام را هم نگه دار چنانکه سقف بی ستون قائم نمائند چنانکه ایمان  
 هم بی ارکان استحکام نه پذیرد بلکه پستی که را بدین پس بدانکه ارکان چهارگانه اند نه از  
 دوزخ رمضان حج و زکوة این را باید داشتن ایمان را بنظر بگیرد که است  
 نماز فرض پنجگانه را با وقتا حسنه و بتجدیل ارکان لازم گرفتن و زود رمضان ادا نمودن حج و  
 زکوة اگر بتعذر و مقدره زودتر بدارد ادا فرمودن دین را محکم نماید این چهار فرض که مذکور  
 شد بدین شرح طویل دارند اما درین مختصر انمودیم شرح نماز که رکن اول و عماد دین است  
 اول ذکر کرده شد و بعد به همین طور یک یک فرض برساند چهارگانه تسطیر  
 نخواهد شد اگر فرصت وقت و زندگانی دست دهد انشاء الله تعالی

## سبق سوم در ذکر فرضهای نماز و جزآن

باید دانست که چیزیکه مقدمه نماز است داشتن آن مقدم بر بیان مسائلش است

اولاً بذكر آن می پردازیم باینکه از اصطلاحات احکام شرعی عموماً و نماز  
 خصوصاً واجب و سنت و استحباب و این هر یک را این فرض قطع  
 الایالاته قرآن مجید و حدیث متواتر است واجب امر غیر قطعی سنت قول یا فعل  
 یا تقریر آنحضرت صلعم که احیاناً خلافتش هم بظهور آمده باشد منکر قطعی ازین است  
 کافرت مستحب آن فعل برگزیده هر دو سراسر صلعم که گاهی بعمل آمده  
 و تأکید در واقع نشانه تبارک فرض و واجب مستحق و نوح است و اول  
 بدست از ثانی و تبارک سنن مستحق عتاب و ولایت و تبارک مستحب و نفل  
 محروم از ثواب و فضیلت پس بدانکه برای نماز چهارده فرض اند  
 هفت از آن بیرونی است و هفت اندرونی

## بیان اوقات نماز

یکی از فرضیه بیرونی وقت نماز است و آن پنج وقت اندیکه وقت نماز فجر است و آن  
 از ظهور رشته سفید عریض در افق شرقی تا ندیدن کناره آفتاب است دوم  
 وقت ظهر است که ابتدای آن بعد از زوال تا دوشل سایه هر چیز سیوا سایه

اصلی است و این یک روایت از حضرت امام عظیم رحمه الله علیه و روایت دیگر از  
 امام صاحب و آن غریب صاحبین و جمهور علماست که انتهای وقت ظهر تا یک شل  
 سایه چیز سوایه اصلی است سووم وقت عصر و آن از ختم ظهر بریز و وقت  
 تا مغروب آفتاب چهارم وقت مغرب و آن از مغروب آفتاب تا شفق  
 سرخ پنجم وقت عشا و آن از مغروب شفق سرخ بقول مفتی پانجم شب  
 و نزد امام عظیم تا صبح با کراهت تحریری دوم از فرضیه بیرونی پاک جاتی نماز  
 سووم پاک بودن پاره نماز گذار چهارم پاک بودن بدن مصلی از نجاست پنجم  
 پوشیدن ستر عورت و آن برآمد از ناف تا زیر زانو است و برای زن - زن  
 حرم همه بدن سوو و رو کفهای دست و هر دو قدم و برای کنیز از پشت  
 و شکم تا زیر زانو ششم قبله رو بودن هفتم نیت نماز

## بیان منتهای اندرونی

یکی از آن تکبیر تحریر است و دوم قیام سووم قرات چهارم رکوع پنجم  
 و سجده ششم آخری قعد هفتم خروج از نماز بفعل مصلی نزد امام عظیم

و واجبات سون و سحبات نماز بر تو در ترتیب نماز مهوید انخواهد شد انشاء الله تعالی -

## سبق چهارم در نجاست و طهارت

چون پاک داشتن جامه و بدن برای نماز فرض است پس باید که پاکی و پلیدی را  
شناسد پس بدانکه نجاست دو قسم است نجاست غلیظه و نجاست خفیفه  
غلیظه خون و ریم و قی و بول و منی و وودی و منی و سپر کین آدمی است و پس  
افکنده جانوران حرام گوشت و پخیال بط و اکیان و خونیکه وقت ذبح ریزد  
و لعاب و تری نخوک و گ و فیل نجاست است خفیفه پخیال بول جانوران  
ست که خوردن لحم شان جائز است پس از نجاست خفیفه اگر چه پاکی  
عضوی از عضوهای بدن یا ریزه از ریزه های پارچه آلوده شود پلیست نماز با آن  
جائز نیست و اگر ازین مقدار کم است نماز جائز است و از نجاست غلیظه بذر  
و غیر آب قهوه است نجاست از شستن پاک شود پس اگر نجاست مرئی باشد شستن  
آن مقداری که عین او را نمل شود کافی است و اگر غیر مرئی باشد پارچه راسته با  
شستن و شستبار شدن پاک کند آب بر دو قسم است جاری و غیر جاری

جاری بر دو گونه ست اندک و بسیار آب اندک از آلودن نجاست مطلقاً  
ناپاک شود آب بسیار و آن آبیکه ده ذراع در عرض و ده ذراع در طول باشد  
از آلودن نجاست بمقدار یک صفتی از صفات سه گانه و اگر که رنگ مزه و بویست  
متغیر گرداند ناپاک نشود و الا آب جاری با آلودن ناپاکی ناپاک نشود و در اینجا  
تفصیل بسیار است مجلس مسبوبات فقیهانه اند.

سبق پنجم در بیان وضو

اولاً وہ کہہ وضو کر دے میشود کہ بے وضو نماز وسیعہ و مس قرآن مجید جائز نہیں ہے پس باید کہ نیت <sup>۵۴</sup> یعنی از او وضو کر دہ بخواند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ رَبِّ اعْزُزْ بَايَ

شرح سائبره که تمام که چون نهایت مهربان رحم و الا که ای رب میر پناه مانگت خون من تیری

مِنْ هَٰمَزَاتِ الشَّيْطَانِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِي

ساتھ ہوسواسوں شیطانوں سے اور پناہ مانگتا ہوں میں ساتھ تیری ای ریہی اس کے ساتھ

۵۸۸  
عزیز از آب پاک پر دوست تا بند دوست بشوید سینه با مضمر مضمر و غمر غمر کند

۲۱

جون مونسٹری  
پنٹ سٹریٹ

سید ابوالحسن علی

کتابخانه عمومی

فصل پنجم در بیان  
شیخ غفره

مجلس شورای اسلامی

۱۰۰

فصل في بيان

پیشکش

سیدنی

پیش از این

مجلس شورای اسلامی

1990

کتابخانه ملی افغانستان

سید محمد علی

سید ابوالحسن علی

۱۰۰

مستند

دولت علیہ السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

عقلمندانه و خردمندانه

تونس و الجزائر

اندرین

از اعلام

137

سته بار و سوسو اک کند و در بینی آب از دست راست انداخته از نرنگشت و خضر  
 چپ اندرون بینی صاف کند و بلغم اندارد ستم بار رو بشوید از نرنگاره موی سر  
 تازیزون و تاهرد و گوشش دستها مع آرنج مکه بار بشوید و یک هم کند و آب در  
 آغذه دست گرفته جانب آرنج هم فرو ریزد اولاً از دست راست بعد از دست  
 چپ یک مرتبه مسح تمام سر کند یعنی هر دو کف دست را از آب تر کرده سر خضر  
 و خضر و وسط هر دو دست را متصل کرده از چین بر کاسه سترابن گردن  
 کشد که سر انگشتان بر سر ق سرگز زند پس سبابه و رن و بر دو گوش گذارد  
 و از نرنگشتان پشت گوشها مال و گردن را پشت انگشتان مسح کند از دست  
 جانب راست و از چپ سمت چپ و هر دو با مع شش انگ بشوید چنانچه با آب بریزد  
 و خضر غلط انگشتان پاکند که شروش از انگشت شمر پای راست باشد و خضر از  
 زیر قدم بالا آورد بعد همین طور قدم چپ را شسته خلال کند و این هفت عمل  
 پی در پی نماید تا آب یک عضو خشک نشود قبل از نوشتن وضو کردن  
 مستحب است آب وضو از کسی طلبیدن ممنوع نیست بعد وضو نگاه بسوی آسمان بگوید

سنت است که دست  
 و از نرنگشتان  
 و از نرنگشتان

مستحب است

غرض است که  
 و سبابه است

غرض است که  
 باشد انگشتان

بقدر سترابن  
 و غرض است که

مستحب است که  
 و از نرنگشتان

سنت است که  
 و از نرنگشتان

غرض است که  
 و از نرنگشتان

سنت است که  
 مستحب است





باید کرد و در هر دو صورت اگر نیت طهارت از حدث لاحق باطل نماز کند هم کافی است  
بعد بر سنگ یا بر خاک یا بر چیز دیگر از جنس خاک باشد بر دو دست یکبار زده بر  
روی خود مال چنانکه از آب در وضو میشود یکجای خالی نماند بار دیگر دستها  
زده منضم بر وسط<sup>۹۱</sup> راست را با کف دست بر پشت دست چپ از ناخن تا رنج  
بمالد که خالی نماند و سبابه و نر انگشت را علی<sup>۹۲</sup> به دارد اکنون دست چپ را بگرداند و از نر  
انگشت راست و سبابه حلقه زده جانب دیگر باز بر آرد تا سر انگشتان چپ بهمان  
طوری که جای خالی نماند چنانکه در وضو دست باز از دست چپ دست راست را  
بدین صورت بمالد مسح انگشتان بر دو دست کند یعنی انگشتان یکدیگر را باندند  
اندازد و بس این دو ضرب است در تیمم و برای وضو و غسل صورت یک است  
الانیت<sup>۹۳</sup> و از یک تیمم مثل وضو چند نماز جائز اند تا شکسته نشود و شکسته وضو و تیمم یکی  
یعنی آنچه وضو را شکند تیمم را نیز شکند و نیز تیمم را قدرت بر آب هم می شکند

سبق هفته شکندهائی وضو

براز و پول و رخ بر قدر که بر آید و ضو را می شکند و با اختلاف یکی شکند و وضو آن



چهار بار پس اشهد ان لا اله الا الله دو بار پس اشهد

گوای دیتا چون من بکنیم کوفی مغفور الله  
گوای دیتا چون

ان محمد رسول الله دو بار پس حی علی الصلوة دو دفعه

که تحقیق محمد رسول الله که این  
او نماز شب می گوید

حی علی الفلاح دو بار الصلوة خیر من النعم اما این

او بیلانی  
نماز بهتر است

وقت صبح گفته شود نه در وقت دیگر الله اکبر دو دفعه

الله بزرگ است

لا اله الا الله یکبار تمام شد مؤذن وقت اذان سبا بهای خود در

نیمین کوفی بکنیم الله  
سورخ مانع هر دو گوش دارد و شونده را باید که هر چه مؤذن گوید

این هم گویان باشد اما بر حی علی الصلوة حی علی الفلاح

او نماز شب می گوید  
او بیلانی

لا حول ولا قوة الا بالله

نیمین برزگناه است و از قوت عبادت بر گزاشد مدد الله  
گوید آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که گردنهای مؤذنان از زمین

بلند خواهد بود پس شنوند ازین بهر محروم نماند بعد ختم اذان این دعا بخواند  
 اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَةُ وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ أَتِي مُحَمَّدٌ الْوَسِيلَةَ  
 ای الله ای رب اس پورتنی او را ای رب اس نماز قائم دی سرور بار محمد کو وسیله

وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّجَّةَ الرَّفِيعَةَ وَابْتَعَهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي  
 ازین بزرگی سب پر اور درجه بلند او بزرگی او کو مقام محمودین که بسبب او توفیق

وَعَدْتَهُ وَازْدُقْنَا شَفَاعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْوَعْدَ  
 وعده فرمایا او نصیب یکو شفاعت اونکی قیامت کن تحقیق تو نهی بدلتا وعده کو

و بهر چه خواهد و عاکنه که وقت قبول است بعد اذان برای اقامت جماعت اینقدر  
 توقف باید که چهار گانه گذارده شود اما برای نماز مغرب توقف نباید کرد  
 اکنون امام بجای خود قائم شود و موزن اقامت گوید یعنی تکبیر شروع  
 کند و الا بر مقتدی که بر دست راست امام باشد اولی است و چون تکبیر  
 گفته شود برای نماز مقتدیان صف کشنده و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ  
 گفته شود امام نیت نماز کند و اقامت همچون اذان است مگر بعد

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ  
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ دوبار گفته شود الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النُّوْمِ بَابُ  
 گفت و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ گفته شود شنونده گوید أَقَامَهَا اللَّهُ  
 وَأَدَامَهَا وَبِالْفَاطِمَةِ دِیْگَرِ بَیْجِ نَگوید و مؤذن و مکبر فقط الله را دراز  
 و دراز کند اما اکبر را نکند و در برابر کردن صفوف با اهتمام نماید و آنها را کج  
 نباید داشت مقدم در صفها مردان اندایستاده شوند بعد از طفلان  
 پس از آن خنثی و عنین پستترین زنان چون امام تکبیر تحریمه گوید مقتدریان  
 اقتدایش و ز نزدیک امام و سه مقتدری جماعت است اگر یک مقتدری باشد  
 بیوست راست امام برابرش است یا بخیزی پسین از جماعت شخصی امام باشد  
 که قرآن از همه بهتر خواند و مسائل نیکوتر داند و اگر شخصی امام شود که قرآن  
 و مسائل چندان داند که از آنها نماز جائز باشد هم رواست

## سبق نهم در بیان صفت نماز

نماز بر هر مومنی عاقل بالغ فرض است هر که انکارش کند کافر است و هم اگر

آن حضرت صلوات  
 علیه و آله فرموده اند

یعنی در بیان صفت  
 و کار و دنیا و آخرت  
 فروختن وقت  
 و نقصان توان  
 کرد ۱۷  
 با تفسیر و تفسیر  
 ضرورت نفس  
 افتد

بقصد استیقامت و استقامت روز ترکش نماید کافر کرد و شیخ فرمود نیست که تا ترکش کافر کرد  
 الا نماز نپذیرد و مقبول حضرت رسول صلعم من ترك الصلوة متعمدا  
 فقد كفر و نزد جمهور علما کفر نیست بلکه اعظم کبائر است پس نماز را محکم  
 گیر چنانچه باری تعالی فرماید اقموا الصلوة پس قایم گردنش همین که بخوف  
 بر غیبت دل و با گسار تمام با اوقات حسنه و به تعدیل ارکان ادا کرده باشد و به  
 هیچ وجه نگذارد اگر ایستادن نتواند نشسته بخواند اگر این هم نتواند بر قضا  
 گذارد و در صحت و مرض در سفر و حضر در امن و اضطراب نماز گذارنش تنبیهست  
 و نماز را بر آن طور ادا نماید که آن حضرت صلعم ادا میفرمودند یعنی بعد از اذان اقامت  
 ایستاده شود بر سر دو قدمها و هر دو پا برابر دارد و به تفاوت چهار انگشت نیست که  
 نیت میکند برای چهار یا دو رکعت فرض وقت صبح یا ظهر و غیره  
 پس این امام اگر مقتدی باشد برای امامت برای الله تعالی گفته و فهمیده هر  
 دو دست تا نزد گوش برداشته تکبیر تحریمه یعنی الله اکبر گویان زیر ناف  
 بند و چنانکه دست چپ زیر دهنست راست باشد و از حضرت و نماز انگشت راست

نزد امام عظیم وقت  
 الد علی

نیت و تکبیر  
 فرض است

بجز قضا و نذر و کفایه

نفس همین است  
 کسب و نیت

در وقت اذان و اقامت  
 از زبان بر آوردن

این کلمات نزد  
 بعضی مستحب است

یعنی تکبیر باشد  
 نیت بر آن وقت

سند ۱۲  
 مقتدی نیت

اقتداء امام حاضر  
 الوقت و امام را

نیت امامت ضرور  
 است ۱۳  
 مستحب است



حلقه زند و زن وقت نیت بر دودست تادوش بر داشته بر سینه بندد و

این چسیت از همه کار ظاهری و باطنی دست برداشتن و دل بکارش آمیختن است

و همین گفتن که خداوند اتوا از همه بزرگ و برتر هستی و من بنده فقیر و مست پیش تو

آمده ام و بر کس و بر هیچ جانب نظرنه اندازد و التفات نکند و بر جای سجده

نظر دارد و عجز و فروتنی ایستاده باشد بدین طور ایستادن چسیت

پیش شهنشاه حاضر شده عرض معافی است از تقصیر و گناه خود بدین سبب

در ابتدا قیام تسبیح گفته میشود آنرا شما گویند الفاظ آن این است

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ

تو باری او بزرگ پادشاهی الله او سائیده تعریف تیری جو کیس و نهین گشتی او بزرگ نام تیرا او بزرگتر تیرا

وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ ۝ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُ مِنَ الشَّيْطَانِ

او نهین کوئی معبود سوا تیری پناه انگتا بون من سائیده طیشانه شیطان

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي الرَّحِيمِ ۝

نحاله بوی رحمت کر تا بون من سائیده نام الله جو پراهمربان نهایت رحمت والا

در این تقصیر  
است ملاحظه  
شاید از یاد  
گرفته ۱۱۱۷  
ع  
مستحق است  
و ادب است  
ع  
و اجابت  
ع  
شرح ص ۱۱  
است ۱۱

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُ مَا لِكِ

سب تعریف اللہ کی جو صاحبِ جہاں بڑا مہربان نہایت رحم والا مالکِ انصاف

يَوْمَ الَّذِينَ هُ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ هُ اِهْدِنَا

دن کا تجھی کو ہم عبادت کرتے ہیں اور تجھی سے مدد پاتے ہیں ہم دکھا دیں کہو

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ هُ صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

راہِ سیدھی راہِ اوں کے جن پر تو نے احسان کیا اور ست دکھا ست اوں کا

غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ هُ اٰمِيْنُ هُ

نہ جسکے چلنے والے پر غضب ٹوٹا اور نہ گمراہوں کا راستہ دکھا ایسا ہی ہودی اے اللہ

آمین مخفی گوید و بروقت خواند نش دل پر معنی گمارد و بعد فاتحہ در دو رکعات

اولیٰ فرض یک آیتہ کلان یا سئلہ آیتہ خوردا میزد یعنی اول سورۃ فاتحہ و بعد

سورۃ دیگر خواند اما در رکعات آخری صرف فاتحہ خواندن کافیست و در نماز

سنت و نفل در ہر رکعات آمیزیدن واجب است چون از بہترین سورۃ یا خوردا

سورۃ اخلاص است لہذا در پنج نوشتہ می آید سو رہ اخلاص  
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هُ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝

کہہ دو ای محمد صمد کہ اللہ ایک ہے اللہ بے نیاز ہے

۵۴  
نماز تحریر است

۵۵  
کرنو نماز تحریر است

۵۶  
نہایت غریب

۵۷  
درین مقام کہاں

۵۸  
طریقہ حق و سچ

۵۹  
میدان ۱۲

۶۰  
کونوا غریب

۶۱  
و قریب

۶۲  
چون از بہترین

۶۳  
سورۃ یا خوردا

۶۴  
این واجب است

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

نہ ام سے جنم نہ اور نہ وہ جنم کیا ۔ اور نہیں اس کے جوڑ کا کوئی

یا چیز ہو گی کہ اس سورہ یا آیت آمیزد اما کم از مقدار مذکورہ نباشد پس رکوع

یعنی اللہ اکبر گوینے سے فرواندازد چند انگہ و پشت برابر سرین باشد

کہ چون تختہ باشد و با هر دو دست زانو را محکم گیرد و نظر بر پائی خود دارد و

خفیه خواند **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ** این از بالا افتادن حسیت

بدان کہ چون مدعا صورت اجابت گرفت داعی بخوابش زود

قبولیت اظهار خیر کرد و پشت خم ساخت و گفتن آغاز کرد کہ پرورنده

برتری و پاک از همه بدی اگر سُبْحَانَ در فضل زیادہ از سبب حساب طاق

خواند بہتر است پس **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** بطور مذکور گفتہ قومہ کند یعنی

از رکوع برخاستہ قایم شود و دستہا بلند دارد و چون امام **سَمِعَ اللَّهُ** گوید

و همچنین منفرد بعد **سَمِعَ اللَّهُ** خود **رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ** خواند و اگر

**حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا قَدِيمًا** بعد ربنا لک الحمد بیفزاید

۵۴  
فرض است  
۵۵  
سنت است

۵۶  
سنت است

۵۷  
و فرض است  
۵۸  
بیکارہ چہ

۵۹  
سنت است

۶۰  
سنت است

۶۱  
سنت است

هم خوب است و اگر امام هم این حمید را گوید نزد بیاری از علما مستحب است  
 چون بلندی درجه بود باشد داعی حیران شده سر برداشت که خواب است  
 یا بیداری گجا من بنده هیچ کاره و گجا این درجه مقربانه و بعد وقفه چو این متیقن شدم  
 بر زبان خود کلمات شکر و دعا می راندم و چون اینجاء درجه قبولیت پیدا یافت  
 سر شکرانه بر زمین عجز انداخت این است قومه و سجد و چنان رود که  
 اول هر روز از نو بر زمین رسند و باز هر دو کف دست باز سرد میان هر دو دست  
 نه یک چنین و بینی هر دو کف را گیرند نظریه بینی افتد و انگشتان قبله رو باشند  
 از بخاوشکم از فحشین و زمین غلنی باشند و زن این هر سکه عضورا  
 سپاند و خواند سوره بار خفیه <sup>سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى</sup> گویا نبربان  
<sup>پای بیست و نهمی که سوره سوره برتر است</sup>  
 حال میگوید که تو پاکی و پیروزنده برتری از من کمترین هیچ نیاید جز اینکه خود را  
 بخاک بگنم اگر تکرار تسبیحات بحساب طاق کند زیاده اولی است و فهمد که  
 بچک برابر او نیست و من و همه پیش او نهایت عاجز اند و همین خضوع است  
 اکنون الله اکبر گویان سر بردارد و دوزالو نشیند که پنجه پای راست

۹۰  
 و بعد از  
 سجد و چنان  
 رود که

۹۰

۹۰

ایستاده باشند و انگشتها پیش قبله رو بر زمین باشند و پنجه چپ زیر خود  
گسترانند و نظر و هر دو دست بر خدین دارد و انگشتان قبله رو و زن هر

دو قدم خود و جانب راست بیرون گذارد این را جلسه نامند و بخوانند

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي وَارْزُقْنِي

ای الله بخش دی گناه من و مرا مهربان شو و منرا هدایت کن و روزی دی بجزو

وَارْزُقْنِي وَاجْعَلْ لِي

اور مرتبه دی بجزو اور نقصان من بجزو

این شکرانه ادا کرده باز بدعا پر داخته هر روز رزق و عزت میخواهد اکنون چون شکر

قبول پیدا شده نتوانستن شستن و گریه افتاد و جبین نیاز

بر زمین نهاد پس همین طور سجده دیگر نماید این هر دو سجده فرض اند باید

که هر دو را پله در پله کند این یک رکعت شد همه رکعات باین طور ادا کند چون

دو رکعت با تمام رساند پیشین بهمان صورت که در جلسه بوده و خواند بجزیه

الْحَيَاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالطَّيَّاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

عبادتین بزرگ و صلوات بر محمد و آل او و سلام بر پیغمبر و آداب پیشین

إِنَّمَا إِلَهُ الْبَنِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای بنی رحمت الله کی اور برکتین او کی سلام همه

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ۚ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۚ

اور اوپر صالچین بندگان خدا کے

میں گواہی دیتا ہوں کہ کوئی ملحق عبادت نہیں

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ۝

اور گواہی دیتا ہوں کہ محمد مصطفیٰ اس کے ہیں اور رسول اس کے

اکنون قابلیت نشستن حاصل کرد تا بگوید این کلام که شب معراج با هم یگانه

و محبوب کے ہمتا و رمیان آئندہ بود پس بدان کہ ناز بر روی ہر یکی ازین است

بدین معنی است مصلی را باید که خود را بحضور آن تعالی داند و این را قیام اولی

گویند اگر نیت چهار رکعت بود و در رکعت و قعده را شفعه نامند پس اگر نیت

برای اصلاح کانه است بزخیر و تکبیر گویند که شروع یکدوازدهمین جاناتان که

راست شود و قتی که تعداد رکعات موافق نیت تمام شود پیشیندگان این را

آنچه را مندا بنی بعد از هدیه التیمات و در دما با و شامل کند و در دما این

این را ابراهیم مخفی خواند اللهم صل علی محمد وعلی

ای اے اللہ درود بھیج اوپر محمد و آلہ محمد کے اور اوپر

الٰہی محمدؐ کیا صلیت علیٰ ابراہیمؑ  
 اولاد محمدؐ کے جیسے کہ رحمت پہنچی تو ابراہیمؑ علیہ السلام کے اوپر

\_\_\_\_\_

وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ۝

اور اوپر آل ابراہیم علیہم السلام تحقیق تو اصلی تعریف کیا گیا بزرگ ہے

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ

ای اللہ برکت نازل کر اوپر محمد صلعم کے اور اولاد محمد صلعم پر جیسے کہ برکت نازل فرمائی تونی

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ۝

اوپر ابراہیم علیہ السلام اور اوپر اولاد ابراہیم علیہم السلام بیشک تو تعریف والا بڑا ہے

واین درود پاجیست تو گوئی کہ چون فرشتگان این سوال و جواب کہ لیل

نهایت مرتبہ است بشب معراج دیدند بہ تعریف آن صلعم مشغول شدہ

بودند اللہ برای ہر یک مصلی صد نازیس وقت است کہ ہر التجار و

پذیرائی یا بد چون از کمال تحمید گوناگون فاسخ شدہ و پس آن درود

بر سید المرسلین ادا کرد وقت اجابت دعا حاضر شد پس مناسب آمد کہ

در این چنین موضع مشغول بدعا شود و بہترین ازینہا این است

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

ای ہمارے دے ہماری دنیا میں بھی رزق اولاد نیک اور دینی نیک آخرت کی

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ اَب التَّارِ هَارِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ

نیک کہ دے دار و فضل و اور بجا ہمارے عذاب دوزخ سے سلامتی ہو اوپر تمنا رہی اور رحم



الله گوید و جانب راست سر بگرداند باز السلاّم علیکم ورحمة الله  
 سلامتی بود و ادب و تمیز او رحم الله  
 گوید و جانب چپ سر بگرداند اکنون نماز تمام شد چون بعد سلام  
 نماز فرض وقت اجابت دعاست باید که پیشش و خضوع بدعا مشغول شود  
 و هر چه خواهد طلبد اما آنچه لایق شان آن تعالی شانه باشد این سلام  
 بر فرشتگان و امام و مقتدیان است که امام بر مقتدیان و فرشتگان  
 سلام گوید و مقتدیان بر امام و فرشتگان و مقتدیان در سفر ظهر و عصر  
 و عشاء دو رکعت باید بخوانند آنرا نماز قصر گویند۔

## سبق دهم در تعداد رکعتهای نماز پنجگانه از فرائض و سنن و نوافل

در خارج چهار رکعت اند اول و سنت اند و کراهه که ضرر بخواند چند آنکه اگر در عتبات  
 صرف امید یافتن یک رکعت دارد تا هم این ترک نه نماید اما اگر وقت تنگ باشد  
 این را ترک کرده صرف فرض او کند و سنت بعدش ضرر نیست و دو رکعت فرض اند  
 اما در فرض او با جهر یعنی قاعه و سوره را با و از ظاهر خواند اگر تنها باشد با جهر است یا انفراد  
 در ظهر و دوازده رکعت اند اول چهار سنت پس چهار فرض یا نوافل از دو رکعت

سنت پس دو نفل اگر جماعت ایستاده باشد چهار رکعت سنت اولی را تأخیر  
 کرده فرض و جماعت در یابد و بعدش این چهار گانه را ادا نماید اگر وقت  
 تنگ باشد فرض اول بخواند بعد این چهار و دیگر را اگر وقت خارج  
 شده باشد و الا سنت قضا کرده نمی شود و سنت فجب تفصیل است  
 نماز جمعه که وقتش وقت ظهر است فرض است بر هر مرد صحیح و مقیم  
 شروطها نیکه برای ادایش باشند شش گانه اند که از آنها یک جماعت است  
 که بدوش نماز جمعه ادا خواهد شد یک خطبه است که آنحضرت صلم بدو  
 خطبه بخواند اگر خطبه حاضر نباشد این تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر  
 بَلِّحَانَ اللَّهِ وَاحْمَدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ  
 پاک است الله سبویون او رب تعریف آن گواور کی معبود حق نیست یکی ایست چنانچه او را الله سبب ثواب  
 قائم مقام خطبه خواند شود در میان هر دو خطبه وقفه خفیفه باید و بغیر دست برداشتن  
 دعا نماید که وقت قبول است چون امام بر منبر آید بانگ برویش گفته آید و مردان  
 به صف در نشینند و الا خطبه خوانده شود بعد نماز جمعه دو رکعات با هر رکعات  
 نماز جمعه و از ده باید خواند اول چهار سن بعثش دو گانه جمعه با جماعت بعد  
 دو سن دیگر و درین زمان که علماء در وجود شروط ادا می جمعه درین دیار اختلاف اند

چهار رکعات فرض بنیت احتیاط جمعا و اگر در نیت است اما در هر چهار رکعات  
 فاتحه و سوره خواند این نهاد و از ده رکعات شدند در عصر چهار رکعات اند  
 فرض با چهار اما اگر پیش آنها چهار یاد و رکعت سنت خواند شو بهتر است در مغرب  
 مغرب هفت رکعت اند اول سه گانه فرض با چهار منفرده خواند خواه هر یک یا اختفا یا  
 دو سنت و دو نفل باز اگر چهار رکعات یا شش نفل بر دو رکعت بیک سلام ادا نماید  
 نیکوتر است و چهار رکعت بیک سلام هم جائز است و نام این نفلها صلوٰۃ او این<sup>است</sup>  
 در عشا اگر اول چهار نفل خواند بهتر است بعدش چهار گانه فرض ادا نماید اما با چهار  
 و تنها هر گونه خواهد بود بعد از آن دو رکعت سنت بر خواند و تر خواندن واجب و قش  
 در وقت عشا اقوام مع لحاظ ترتیب پس باید که بعدش سه گانه و تر ادا کند و بعدش  
 دو نفل خواند و بهتر است که این را شسته خواند چون بنده این رکعات عشا را با چهار  
 ادا کرد و گویا که همیشه در عبادت گذاشت اما اگر عشا چهار نفل پسین ادا نماید و  
 آنجا کند بر چهار فرض و دو سنت و سه گانه و تر بعدش دو نفل هم کافیست  
 و باید دانست که و تر سه رکعات بیک نیت با خفا و تر است بعد و رکعت قعدہ کند

و در رکعت سوم بعد فاتحه و سوره رفع یدین کرده دعای قنوت مخفی خواند و بعد از

رکوع کن و قعدا خیره کرد دستہ گانه با تمام رساند رفع یدین این است کہ مرد و ست

تکبیر گویند تا نزد گوش برداشته بند دینا کہ در تکبیر تحریمہ گشت در رمضان شریف

و تراجماعت و ہر سہ رکعات با جہر خواند و قنوت مخفی و دعای قنوت این است

اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَسْتَ بِعَيْنِكَ وَلَسْتَ بِغُفْرِكَ وَتُؤَمِّنُ بِكَ وَتُؤَمِّلُ عَلَيْكَ

ای اللہ تجھی سے مدد مانگتے ہیں اور تجھی سے بخشش مانگتے ہیں اور تجھی پر ایمان لگا اور ہم را بہر سہ گاہ یا ہمراہ

وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ اَحْسَنَ وَشُكْرِكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنُخْلَعُ وَنُدْرِكَ

اور تیری ہی تعریف کرتے ہیں اچھی اور شکر کرتے ہیں تیرا اور نہ کفرت تیری نہیں اور نیز از تو ہیں اور چو تیرے ہیں

مَنْ يَفْجُرْكَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّيْ وَلَسْجُدُ

جو نافرمانی تیری کری ای اللہ تیری ہی عبادت کرتے ہیں ہم اور تیری ہی نماز پڑھتے ہیں اور سجدہ کرتے ہیں

وَالِيكَ نَسْتَعِيْ وَنُحْفِدُ وَنَرْجُو رَحْمَتَكَ وَخَشْيَتِيْ

اور تیری ہی طرف سے تیری اور امید کرتے ہیں اور امید کرتے ہیں رحم تیری کی اور ڈرتے ہیں

عَذَابِكَ اِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحِقٌ

عذاب تیری بیشک عذاب تیرا کافروں ملنے والی ہے

## سبق یازدهم در بیان بعضی فرضیه

جائز است همیشه از دریل اگر استاده باشد تکلیف نیست اما وقتی که روان  
 باشد دراد کردن نماز اگر برای قیام دریل انتظار کند بهتر است اگر خوف باشد  
 که در انتظار وقت از دست میرود باید که نماز گذارد و احتیاطا بعد فرود  
 آمدن از دریل قضایش کند برای نماز فرض قبله متعین کرده نیت کند بعد  
 اگر دریل برگردد مضائق ندارد خود هم برگردد و بر آن فصل بر سوار بیرون  
 از شهر تعیین قبله ضرورت نیست متغیر مختار است که استاده گذارد یا نشسته  
 از نمازهای واجبه نماز عید الفطر وضحی و تراویح در رمضان  
 شریف تا یک ختم قرآن مجید است نماز عید الفطر وضحی و دو رکعات  
 باشش شش تکبیرات اند برای شان نیت کند که نیت میکنم  
 برای نماز عید الفطر یا عید الضحی  
 باشش تکبیرات باقی رائی این امام بعد تکبیر  
 تحریمین خوانده سه تکبیرا گوید چنانکه بر هر تکبیر رفع یدین کند

اما در میان تکبیر یا بر بند این چهار تکبیرات شدند اکنون دستها بلند  
 و نماز شروع کند و قبل رکوع شائسته سه تکبیرات گوید چنانکه در رکعت  
 اولی گفته شد بعد چهارم تکبیر گویان رکوع کند بعد نماز پرستور تمام کند  
 و بعد نماز خطبه است نماز تراویح بست رکعات اند بده سلام در ماه  
 رمضان شریف در وقت عشا تا ختم قرآن مجید سنت موعده است که حضرت عمر  
 رضی الله عنه بر تارک آنها حکم جهاد فرموده اند چنانچه وقت اند که در آن  
 نماز و سجده منع است و آن وقت طلوع و زوال و غروب  
 آفتاب است مگر عصر آن روز و در میان نماز عصر و مغرب چند وقت اند که در آن  
 نفل گذاردن بسیار ثواب دارد یکی بعد نیمه شب یا بعد دو ثلث شب تا صبح  
 صادق تهجد است که آنحضرت صلعم گاهی ترک فرموده این از دوازده  
 رکعات تا چهار رکعات است و بعد یک نیزه بر خیزدین آفتاب  
 چهار گانه نفل است چنانچه نماز فجر خوانده در ذکر مانند و تا این چهار گانه  
 ادا نکرده باشد در شغل و نیامیسنه نماید تا ثواب یک حج

و عمره یا بدین را اشراق گویند و بعد یکپاس روز چهارگانه دیگر است  
 که چاشت نامند توفیق رفیق یاد که این همه ادا کرده آیت چهارم رواست و در  
 همه نوافل در شب نه در روز نماز و شب ناهشت رکعات به چهار قعه یک  
 نیت رواست اما در روز از چهارگانه نفل بدو قعه و یک نیت جائز نیست مقتدی  
 در هر نماز خاموش ایستاده قرآن امام شنود و قرآن خواند اما اگر فاتحه خواند  
 خوب است که آنحضرت فرموده اند لا صلوات الا بفاتحة  
 الكتاب و اقتدای امام کن و در هیچ رکعت پیشی نگیرد  
 در نوافل شب بغیر تداعی و در قضا هم امامت رواست

## سبق دوازدهم در شرکت جماعت

یعنی وقتی که جماعت قائم است یا شخصی فرض ادا میکند و کسی باینها شرکت  
 میجوید او را باید که بگیرد و شریکیش شده اقتدای امام کن اگر امام پیش  
 جماعت ایستاده باشد این یعنی مقتدی یا مسبوق در صف یا سبک یا سبک  
 اللهم خواند و قتی که امام نماز تمام کند و سلام دهد مسبوق مقتدی



را باید که بدون سلام بر خاسته باقی نماز را با تمام رساند بدین طور که اگر  
 از رکعات اولین ترک شده باشد آنها را با فاتحه و سوره خواند و اگر از  
 شفعه آخری پیش مانده بلا سوره تمام نماید اگر شخصی تنها در نماز باشد مسبوق را  
 باید که وقت شریک شدن تکبیر یا هر گویند تا مصلی آگاه شود و نیت اقامت  
 کرده مسبوق را مقتدی خود گرداند و بر دست راست بچیزی پس ایستاده شود  
 اگر این شخص تنها که امام گرفته شده است بوقت رکن او شخص سابق  
 تکبیر بجز گویند معلوم شد که فرض ادا نماید پس با اقتدایش پردازد و اگر  
 تکبیر مخفی گفت معلوم شد که فرض نیست اقتدایش گسلد و اگر امام در رکوع است  
 یا در سجده و غیره باید که مسبوق نیت کرده بر دست بلحجه بر بسته در همان رکن  
 شریک شود که امام در ویست و هرگز انتظار قیام امام نکشد و قتی که مسبوق نماز  
 بقیه خود را ادا کردن شروع نماید در اولش ثنا خواند اگر یک مقتدی باشد و دیگر  
 نیز شریک شود باید که پس امام بعد نیت اول را کشد و هر دو برابر  
 پس امام ایستند و یا مقتدی نو برابر مقتدی سابق ایستند

وامام البته بجای خود پیش قدمی کند و همچنین بهت میست

## سبق سینودهم در سجده سهو

آن دو سجده کردن است با تشهید و درود و دعا یعنی بعد از تشهد یک سلام  
گرفته دو سجده کن و بعد از تشهد و درود و دعا خوانده نماز تمام کن  
در نماز که سجده سهو لازم شود اگر ادا کنی اصل فرض از ذمه ساقط شود  
لیکن عاده آن نماز بر ذمه واجب نمی ماند و آن در تأخیر رکن فرض و در ترک  
واجب واجب می شود و تأخیر فرض آن است که مثلاً بعد یک رکعت بقدر  
ادائی یک رکعت یا زیاد به شصت سجده سهو کند یا در قعده اولی عجله  
خواندن تشهید بر آید خاستن تأخیر کرده و درودنا **اللهم صل علی محمد**  
خواند سجده سهو کند ترک واجب آنست مثلاً ترتیب ساقط کردن نیماز  
سوره قبل فاتحه خواندن یا سجده بر رکوع مقام ساخت یا بقیات  
سوره نیامخت یا قومه یا جلسه یا قعده اولی نکرد یا نماز بلفظ السلام  
تمام نکرد این صورتها سجده سهو کند و از اینها یک خطا باشد

یا زیاده سجده سهو یکبار کرده خواهد شد اگر تسبیحات رکوع و سجود دعائی قیومیه باشد  
و تشهد و درود که خفض اند با و از سهو می بر خوانند اگر قنات خفی را یا بجمهر  
یا بهری را با خفا داد اگر در قلیل یا کثیر سجده سهو کند سجده سهو  
لازم نباشد البته در هر تشهد بعضی فقها بلزوم سجده سهو قائل اند

## سبب چهارم در فساد مکروهات نماز

مفسد اگر ترک کرد فرضی یا زائد کرد عملی که منافی نماز باشد نماز فاسد شد مثلاً  
قیام یا رکوع یا سجده یا تعدیه آخری نکرد یا فیه نماز فاسد شد یا در سجده  
انگشتهای بر دو پا از زمین برداشت یا مجنون شد در نماز یا بعد حدث کرد  
نماز فاسد شد یا سرو سینه از قبله برگردید یا تنگی یعنی آواز از خلق بر آید  
صاف کردن صوت که از حروف اُح اُح بلا غدر و بلا غرض صحیح کرد  
یا حرکت کثیر کرد نماز فاسد شد حرکات کثیر حرکات پنهانی اند یا  
حرکتی که نمازی آنرا کثیر گمان کند یا در نظر بیننده معلوم شود که حرکت کند  
در نماز نیست و این صحیح ترین اقوال است مکروهات در نماز بر یک پایستادن

و پارچه پوشیدن حقیر و ذلیل یا وجود بودن پارچه خوب و عزیز و یا آردا برداشتن  
 داشته گوشه هایش را کردن و نماز را در شدت حاجات ضروری یا در اشتها  
 سخت طعام و آب با وجود حضوری آن ادا کردن چشم پوشیده یا برهنه  
 سر نماز گذاردن اگر تواضع نباشد و خاک و خاشاک از جا  
 سبج و صاف کردن مکروه است اگر یکبار بجهت ضرورت باشد مکروه نیست

## سبق پانزدهم در نماها و عملها

باید که بعد نماز بدعا مشغول شود هر چه که لائق خواستن از ان بارگاه باشد  
 بر جوع قلب است دعا نماید که دعای مومن قبول است در دنیا اگر ظهور نیابد  
 در آخر ضرور اجر عظیم بدست آید و خاص اوقات قبول این است بعد نماز <sup>ض</sup>  
 و در ثلث آخر شب و در میان شستن امام بر ممبر برای خطبه نماز جمعه تا ختم نماز  
 و در میان ماه رمضان مبارک خصوصاً وقت افطار وقت غروب بر جمعه در مرض و  
 در سفر و غائبانه بر غایب ظهورش بر وقت مقرر در علم الهی موقوف و نیز شنبه و  
 مشروط ادعیه که در قرآن مجید و فرقان جمید

آئندہ ان بہتر اندر خوب و مرغوب بندہ دیکھا لاؤاخذنا ان نسينا و  
 اخطانا ربنا ولا تحمل علينا افعالنا كما حملته على الذين  
 کریمے ای رب ہمارے دال او پر ہمارے جو جہ جیسا کہ کہا تونی او سکو او پر ادنی

من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقه لنا به واعف  
 جو مجھے پہلے ہی ای ہمارے اور تم کہہ دو امیر و شیر کی جسکی ہم میں طاقت نہیں اور معاف کر

عنا و اعفر لنا و ارحمنا انت مولانا فانصرونا على القوم  
 ہم سے اور شمش کروا ہمارے اور رحم کر ہم پر تو کار ساز ہمارے پس مدد کر ہماری قوم

الکافرين ۵ دیکھا لاؤنغ قلوبنا بعد اذ هدینا  
 کافر و غیر ای رب ہمارے تیرے کہ ہمارے دل کو بھی اس کے کہ ہدایت دی تو نے

و هب لنا من لدنك رحمة انت الوهاب ۵  
 اور دی تو نے ہم کو اپنی پاس سے رحمت بیشک تو بڑا ہی دینی والا ہے۔

ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا  
 ای رب ہمارے ظلم کیا ہم نے اپنی جانوں پر اگر نہ بخشے گا تو ہمارے گناہ

وَرَحْمَتَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ رَبَّنَا إِنَّا

اور نہ رحم کر لگا رہیں بیشک ہم ہو جائیں گے تباہ دنیا و دین میں ای پالنے والی ہمارے تحقیق

سَمِعْنَا مَنَادًا يَقُولُ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اٰتُوْا بِكُمْ فَاٰمَنَّا

سننا چارہوا لے کو کہ ایمان کہ طرف پکارتا کہ ایمان لاؤ اپنی رب پر پس ایمان لاہم

رَبَّنَا فَاعْفُ عَنَّا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا

ای رب ہمارے گناہ اور دور کر ہے برائیاں ہماری اور مار ہو

مَعَ الْاَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

ساتھ نیکوں کے ای رب ہماری تو ہو کہ وہ چیز جس کا تو نے وعدہ کیا ہے اپنی رسولوں کی نصرت

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

اور نہ رسوا کر ہو کہ دن قیامت کے تحقیق تو بدلتا نہیں ہے وعدہ

رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ

ای پالنے والی ہمارے دی ہو کہ دنیا میں نیکی اور آخرت میں

حَسَنَةً وَفِيْٓ اٰبَ الْاٰخِرَةِ ۝ رَبَّنَا تَقَبَّلْ

نیکی اور بچا ہو عذاب دوزخ سے ای رب ہمارے قبول کر

مِنَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ واین غیر از قرآن دعائے

ہمیں ہماری کام تحقیق تو سننی والا جانتی والا ہے

ماثورہ است اللہم صل علی سیدنا محمد وعلی

ای اللہ درود ہے اوپر سردار ہمارے محمد صلعم کے اور اوپر

آل سیدنا محمد صلوة تجئنا بها من جمیع

اولاد سردار ہمارے محمد صلعم کے وہ درود کہ نجات دی تو ہمارے ہر کسی برکت تمام دہشتوں

الاهوال والافات وتقضي لنا بها جمیع

دنیا اور آخرت اور دارین کی آفتوں اور پوری کربماری ہر کسی دستہ تمام

الحاجات وتطهرنا بها من جمیع السيئات

دونوں جہان کی حاجتیں اور پاک کر دے ہمارے ہر کسی برکت سب برائیوں سے

وترفعنا بها عندك أعلى الدرجات و

اور بلند کرے ہمارے سب اپنی نزدیک بلند ترین درجات میں اور

تبلغنا بها أقصى العالیات من جمیع الخیرات

پہنچا ہمارے ہر کسی برکت سب نہایت مطلوبہ تمام بہائیوں سے

فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

مبارک زندگی کے اور پیچھے مرنے کے آخرت میں تحقیق تو اوپر ہر چیز کے

قَدِيرٌ ۝ وَدَيُّكَ خَبِيرٌ ۝ اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

اللہ کبیر والا اے اللہ بخش دی مجھ کو اور میرے باپ دادا کو

وَالْوَالِدَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

اور میری ماں دادیوں اور مسلمانوں اور مسلمانوں کو

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

اے تو سنی والا قبول کرے والا دعاؤں کا ہے

بَلَدِيْ وَبَلَدِيْنَ ۝ اَللّٰهُمَّ اَعْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ

اپنے گاؤں اندین راجد ہرنا از فرض و این را ایتہ الکرسی میگویند کہ برای مفا

جانب مال مجرب است او خواندش بعد ہر فرض در حدیث شریف وارد شد

اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ

اللہ ہی نہیں کوئی معویہ سچا سوا اسکے زندہ تھامنی والا نہیں لگتی او کو او نگاہ

وَلَا نَوْمٌ لَّهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ

اور نہ نیند اوسی کی ہے ہر چیز جو آسمانوں اور زمین میں ہے

۱۰  
ابن راضی  
ہمسند ۱۲

۱۱  
وزیر بودا و دیار  
چند شخص  
بارہ ہینین

۱۲  
کسی لیے استغفار  
کتابت ہو سکی  
فہم ہوتی ہے  
اور کسی سبب  
زمین والوں کو  
دفع ہوتی ہے

۱۳  
از روایت ابوالکلام  
چند شخص  
تاکہ اچھا ہو سکے  
کوئی چیز  
وہاں نہ ہو سکے  
فہم کی ۱۳۱۶



مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ

اوں کا ایسا جو شفاعت کرے اوسے حضور میں مگر اوس کے حکم سے وہ جانتا ہے

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

وہ شی جو آگے اوں کے ہے اور جو پیچھے اوں کے ہے اور نہیں گہیر کتے لوگ

بَشِيرٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

کچھ اوس کے علم سے مگر جس قدر روٹی چاہا گہیریا کرسی یعنی بادشاہی اوس کے لئے تیار

وَالْاَرْضِ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

اور زمین کو اور نہیں تھکاتی اوس کو نگہبانی اونکی اور وہ ہے بلند مرتبہ بڑا

تمام شدہ دیکھیں یہ کہ از ثواب اور زمین و آسمان پر شوق مند ہیں ان اللہ

سے ۳۳ بار اَحْمَد لِلّٰہ سے ۳۳ بار اَللّٰہ اَکْبَرُ سے ۳۳ بار چار بار بعد

ہر نماز فریضہ وہم وقت خواب بخواند بِسْمِ اللّٰہِ الَّذِیْ لَا

يُضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ

کہ نہیں نقصان پہونچا سکتے اوس کے نام ساتھ کوئی چیز نہ زمین کے ہو یا بیچ آسمانوں کے

۵

انسان میں شوق مند  
ہو کوئی اس کو توفیق  
باجائز نماز فریب  
دفعہ نماز پر پڑھا اوسکو  
کوئی چیز نہ نقصان  
نقصان پہونچا سکتا

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ ٢٠ ۝ بَارِعًا نَّازِمًا مَّغْرِبًا وَفَجْرًا دُرِّيًّا

اور وہ سنی والدہ کا اور جانی والا ہر ایک کا ہے

شب و از صبح تا شام از همه آفات محفوظ ماند و نیز خواند بعد نماز صبح و صبح و شب

عُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ۝

پناہ مانگتا ہوں ساتھ برکت نام اللہ کہ سننی والا جاننی والا ہے  
برائی شیطان مردود سے

وَيَكْبَرُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

وہ ہی ہے اللہ و اللہ کہ نہیں کوئی معبود مگر وہ جاننی والا پوشیدہ کا

وَالشَّهَادَةُ خَاتَمُ سُورَةِ مُشْرَكَ تَوَاشُّ دَر حَدِيثِ شَرِيفِ بَسْمِ اللَّهِ

اوزظا ہرکا

و نیز در حدیث شریف صبح و شام خواندن اعوذ بکلمات

اللَّهُ الْكَامِنَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وارود شده و بخواندن صبح و شام

کے کہ پورے ہیں برائی پر حینر پیدا کی ہوئی سے

بیک بار سورہ کافرون قلْ یٰ اَیُّهَا الْکٰفِرُوْنَ لَا اَعْبُدُ

کعبه ای محمد صلعم ای کافرو مین نهین بو قبا اویچیر کو

مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

کہ جس کو تم پوجتے ہو اور نہ تم پوجنی والے ہو جس کو میں عبادت کرتا ہوں

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

اور نہ میں عبادت کرتا ہوں اور نہ تم عبادت کرتے ہو اور نہ تم عبادت کرتے ہو

مَا أَعْبُدُ إِلَّاكُمْ دِينُكُمْ دِينِي دِينَ هُ

جس کی میں عبادت کرتا ہوں تمہارے لیے دین تمہارا ہے اور میرا واسطے دین میرا ہے

اگر این سورہ چہار بار بخواند ثواب سالم یک قرآن یا بدو بخواند بعد مغرب

و فجر سورہ اخلاص ستر بار کہ ثواب یک قرآن شریف است یعنی قل ہو اللہ

تا آخر بخواند معوذتین ستر بار یعنی سورہ فلق و سورہ الناس

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ

گہما گہما صلیحہ پناہ پکارتا ہوں ساتھ پناہ پکارتا ہوں اوس چیز کو اوسنی پیدا کی اور برائی تو ان کی

غَاسِقٍ إِذْ وَقَبَ هُ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

رات جسوقت ڈانکے اور برائی پھونکنی والیوں پنج گروہوں کے

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَهُ قُلْ أَعُوذُ

اور برائی حسد کرنے والے سے جسوقت کہ حسد کرے کہہ دے محمد صلوٰۃ علیہ و آلہ وسلم پناہ مانگتا ہوں میں

يَرْبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ

ساتھ پالنے والے لوگوں کے بادشاہ لوگوں کے معبود لوگوں کے

شَيْءٍ لَوْ سَوَّاسٍ الْخَنَاسِ هُ الَّذِي يُوسُّسُ

برائی و سوسہ ڈالنے والے چھپتے جانے والے سے وہ جو سوسہ ڈالتا ہے

فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ هُ

پنج سینوں لوگوں کے جنوں میں یا آدمیوں میں

از آیتہ ناما پنجابہشت عدد و طیفہ بہت بعد نماز مغرب و صبح بمقدار مذکور

ہر روز بلا ناخن بخواند تا از ہمہ بلیات و آفات دنیوی و اخروی اوقتا

مامون دارد انشاء اللہ تعالیٰ

نصائح حمیدہ و اخلاق پسندیدہ سے فائدہ

اسعدک اللہ تعالیٰ فی الدارین شرک بخدای پکارتیسا

و مادر را رحمتی بزرگ از نعم حقیقی شما که او را باعث حیات شوگر دانید  
 و در نیکوئی مادر تر از ثواب حج و عمره و جهاد بخشیده **ع** جنت که رضای  
 مادران است **+** در زیر قدم مادران است - حکم پدر بجا آر و پیدا  
 باش که گاهی جور بلفظ آن هم بایشان از تو نرسد - و بدان که رضا  
 ملک حقیقی بر رضای ایشان است - نماز پنجگانه را بپادار و به هیچ حالت  
 نگذار **ع** روز محشر که جانگداز بود **+** اولین پرسش نماز بود **+** روزه نما  
 رمضان ادا کن و زکاة مال بده و از پنج خوب گفته **ششم** زکوة مال ادا کن که  
 فضله زر را **+** چو باغبان بدر بیشتر دهد انگور **+** و حج را بموجودی شرط  
 از دست مده و هر حکم او تعالی شانه را در دل خود بنه - و قتیکه توانی توان  
 خود احسان کن - و قتیکه او شان ناتوان شوند باز وی شفقت زیر پائی ایشان  
 بگستر و اقارب خود را یگانه بدر چون عقارب مشمار حق همسایه و مسکین و مسافر  
 و ماتحت خود به نگوئی بده - و مال خود را به بیهودگی از دست مده که این اسراف  
 است و بتذیر - و مبنی برادران شیطان حقیر هر که این خصلت بد را

کند انجاش بنده امت کشد و قدر و منزلت او از دست رود اما اگر بنام  
 خدای تعالی همه خانه و اثاث البیت بدی روست اگر و ثوق داری که هر چه بپوش  
 بگذرد بران صابر باشی و حاجت خود را نرو کس نه بری و کسی را حاجت خود مطلع نگذاری  
 و الا تو سطا اولی ای فرزند هوش دار که شیطان دشمن پاندا رست هر چه  
 که اراده بدو در دل نپایی از او پرهیز که آن از شیطان است تا تو انی بگریز  
 بخل در انفاق خود مکن که این برادر اسراف است و بدترین صفات اشراف  
 در هر کار میارو باش تا که در دایره خوش باشی بنشاش ای فرزند بکش جان خود را  
 که مراد محبت است که این کار بسیار زبون سخت او نرو و بکاری و زنا مرو و بی بیانی و شرمساری  
 و اراده مال کنی ناتی گرفتن بیل میار چه این فعلیست که حق تعالی از او بهیز است  
 و طمع بیکار و طمع راسه حرف است برسته تھی و آنچه که بگوئی بجا آر  
 ورنه عهد شکنی است و این هر جابجاء اعتبار از غیبت و تمامی اجتناب گیر  
 و از کسی گوش مدار و بدو رخ و تهمت مهندار بدی کسی پیش تو آرد و راست  
 تا وقتیکه پائی ثبوت نه آید و هر که دیگران را بد گوید او را بران ۵ هر که

عیب دیگران پیش تو آورد و شمرد. بیگمان عیب تو پیش و گران خواهد بود  
 زیرا که بسیار عیب خود را نیکو و کلان و بزرگ شمار و دیگران را از خود  
 ذلیل و خوار که معلم الملکوت ازین راه از بالا افتاده و کلاه عزت بهوائی مذلت  
 در داده. هر که پیوند کبر و ریاء بنزد در عالم کبریا نپساید. **ع** تکبر مکن زیرا که  
 پسر باد که روز رستش در آئی بسراى فرزند خود بینی و خود نمائی مکن که این  
 خلاف واقع مثل شان احولیست و هر که ازین دور است از خوبی دولت محرومست  
 به تنگتر خرام که این حرامست اگر تکبر و تنگتر میکنی نه توانی که زمین را از پای کنی و سراز  
 آسمان ببری. ای فرزند شکر حق تعالی ادا کن که ترا نعمت فرماید و بآن کار بپرداز  
 گو این کار نیست دشوار که حق تعالی بشمار است که توانی که از ذمه اش بر آئی  
**ع** از دست و زبانی که بر آید. که عهده شکرش بدر آید. شکر این است  
 که هر هر نعمت از زبان افسارش نمائی و دل را از ان بشاش داری و محضاً  
 هر وقت کارش باز نداری و دست و پایی بکارش فرسانی هر چه که از او رسد بآن  
 خوش باشی اگر ناگوار داری و از او راضی نشوی ضرر است که از ملک او تعالی

بیرون روی از زلفش بد نشو و آرزای آسمان بیرون رو که کفران نعمت  
 همیشه هشتاد و این سخن و از ویر میز گرد دلت کز ان انعامات الهی در آید  
 نوز ایمان و نعمت بخاوند سبحان فرزند آبی فرزند تالقانی بزرگان را ادب پیش آید  
 و خود را در راه شفقت خوش در شعر ادب تا بیست از لطف الهی به بند بر سر  
 برو هر جا که خواهی این را به نفس خود خیال که آنچه بر خود نپسندی بد دیگران  
 پسند نشو بهر خلق خوش خلق و خنده رو باش تلخی و ترش روی بگذار چون تو  
 پاشیده اند تو بر خلق پاش تشبیه مروت را شعار خود ساز به هیچ نکویی خود منان  
 دوست و دشمن را به نیک روش خود شاو کن و خندان و دوستان و دشمنان را  
 از کار خود در بختان تا آو شان دوستی افزاین و ایشان از دشمنی باز آیند  
 شهر آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرفست: با دوستان لطف با دشمنان را  
 ای فرزند در همه حال قیام مزاج باشی تلون از خود را سازی بر قدر سختی که چو  
 شود بد دل نشو بهر دست و داناتی گوارا کرده دفع آن بکوش تا وقتی آید که  
 از سر تو برود شکایت ناگواری پیش کس مساز که هم کفران است و هم



سبب غضب الهی و باعث خوشنودی دشمنان - جائیکه بدبختی یا به  
 بینی آنرا پسند - آنچه امر حق خوانند و یا بخوانی خود را بعملش بند مثل آن  
 حمار ناشی که انبار حکمت بردارد اما هیچ نفعی از او حاصل نسازد - دروغ  
 و خوک قسم باشد که بے اعتبار خواهی شد و مردی که بے اعتبار است و چشم  
 مردمان خوار است قناعت پیشه کن که بهترین صفت مردمی است و موجب  
 راحت دنیا و باعث مسرت و رهایی - جائی خود نگه دار و جایی را از دست  
 بگذار - از عجز و انکسار خود را بر زمین تواضع و فروتنی بنه و خجسته  
 بخود راه ده و در همه جا خود را کمترین خلائق شمر اما با است کبران  
 عجز و فروتنی میار و در چشم ایشان خود را حقیر مدار از حسد چون  
 درنده بگیر که آتش است جان سوز - این کیمیاست دوستان را  
 بیاموز - آنچه که گوئی بتال گوئی اگر خوب است اختیار داری و اگر نیک  
 نباشد چون تیر از دست رفته باز نیاید و حسرت بدست آید از صحبت  
 بد بگیر چون کوسفندان از گرگ تیز دندان که دین و ایمان را

بے نور سازد و فهم و فراست از تو بر باید **ص** صحبت صالح ترا  
 صالح کند **ص** صحبت طالح ترا طالح کند - راز خود را بزد دوست  
 خالص گفتن خود را در ورطه نهد امت انداختن است اگر گویی حسرت  
 بری و بازائی ثم ندامت بری دوست را از دشمنان بر آوردن  
 کار دشوار است که دوست کیاب است و دشمن دوست نما  
 بسیار کارشایسته بے مشوره دوست مکن **د** در چنین  
 کار مشورت باید **د** کار بے مشورت نکوناید - ای فرزندان از آنچه  
 که داری تا توانی حاجت خلق بر آرت ضرورت های تو بر آید  
 خدایا بر تو باشد تو بر خلق پاش چشم از عیب پوشیدن  
 و سیرت عفو گرفتن فرزندانگی است و در حالت غضب  
 غیظ را فرو خور و ن مردانگی است - صلی الله تعالی علی خیر خلقه  
 محمد و آله و صحابه اجمعین بر چمتک یا ارحم الراحمین مم مم مم

# اسم خاتمہ الطبع

ہزاران ہزار شکر ایزد رحمن و نعمت بخیر و شکر بنی نیکو نہاد۔ و منقبت آل اطہار  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 و مصاحب اصحاب کبار۔ کے بعد محمد مصطفیٰ منعم پروردگار بیکندری۔ پس طبع پر بارام  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 خدمت پاک دیدہ افہام میں۔ گزارش پر دراز الشرح۔ کہ اندرون کتابدار العبادت  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 مسمیٰ تعلیم صبیان نام یکہ اقبال۔ واسطے فائدہ عام انوار عواطف ہونہا  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 اطفال سلام ہو پال کے۔ کہ اسکو پڑھ کر مسلمان دین سے جو کہ کن اول جاوہ گاہ ایمان  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 آگاہ حقایق ہو کہ علم معاش کی طرف۔ متوجہ ہوں بنا بر انطباع کامل اس مطبع میں آئی  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 اور توجہ حکم کشا حقایق۔ قدر دان جہان کینائی بے ہمتا۔ فیض رسان اہل عطا۔  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 جہاں فقہاء گل گلستان خاندان۔ نہال و نالواں پسین محمد خان بہادر  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 رئیس متبرکہ دارالاقبال۔ تیرا عظم ہو پال۔ دام اقبال و شوکتہ الی یوم و اور  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 مطبع نمود بیکندری رام پور میں۔ ماہ فیروز و منیر بیچ الثانی۔ زیور اصنام انطباع پرستہ  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 رازدان الہام و لف نامہ لکھی سعی کامیاب فرما۔ اور کتاب مقبول طبائع اطہر کر۔  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 بحیرت النبی و آلاء الامجاد و اصحاب مناجیح مراد۔ تمام شہر التماس  
 ۱۶ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰



CALL No. { ۲۹۷۹۰۷ } ACC. No. ۲۵۷۱  
 AUTHOR \_\_\_\_\_  
 TITLE ۲۹۷۹۰۷

۲۹۷۹۰۷ ۲۹۷۹۰۷  
 ۲۵۷۱  
 ۲۹۷۹۰۷

Date	No.	Date	No.



# MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

## RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

